



۲۲

سوسیالیسم امروز

۴ نوامبر ۲۰۱۷ - ۱۳ آبان ۱۳۹۶

S_zijji@yahoo.se

سرپرست: سلام زبیدی

"شورای عالی کار" چکاره است؟
برای تعیین حداقل دستمزد کارگران
به چه مکانیسم و تشکلهای باید متکی شد؟

صفحه ۳

**افزایش دستمزد در گرو اتحاد و مبارزه
متشکل ما کارگران است!**

صفحه ۸

**اعتیاد ابزار ارتجاع حاکم
برای سرکوب خاموش جامعه**

صفحه ۶

نسل جوان، نسل آزادیخواه و نسلی در حرکت

صفحه ۱۱

اسلام و تسلیم نقطه مقابل آزادیند

صفحه ۱۰

**نقش زنان در سیاست!
برخیزید زنان!**

صفحه ۹

**رفراندوم اقلیم کردستان عراق، حق تعیین
سرنوشت، یا بازی با سرنوشت؟**

صفحه ۹

بحث و گفتگو

در باره بازداشت فعالین
کارگری از طرف جمهوری
اسلامی

صفحه ۱۲

سمینار بحث و گفتگو

درباره دستمزدهای
کارگران، "حداقل
دستمزد"

صفحه ۱۲

**بازداشت دوباره
محمود صالحی را
قویا محکوم میکنیم**

حزب سوسیالیست انقلابی

طبق اخبار منتشر شده ساعت ۱۲ ظهر روز شنبه ۶-۸-۱۳۹۶ نیروهای لباس شخصی به بیمارستان سقز یورش برده و محمود صالحی را در حالیکه به دستگاه دیالیز وصل بود بازداشت و سپس او را برای گذراندن یک سال زندان با خود به زندان سقز برده اند.

رژیم جمهوری اسلامی در دوره ای که با اعتراضات گسترده کارگری علیه فقر، دستمزدهای معوقه، بیکار سازیها، امنیتی تر کردن فعالیتهای کارگری و شرایط فلاکت بار اقتصادی روبرو شده است، در دوره ای که تلاش و مبارزه طبقه کارگر ایران برای افزایش دستمزد چهار برابر زیر خط فقر کنونی خود به تحرک در آمده است، تصمیم گرفته است با گسترش دامنه سرکوب و فشار و محاکمه و زندانی کردن فعالین کارگری و مجازات آنها تا حد مرگ، یکبار دیگر راه پیشروی اعتراضات کارگری و از این طریق کل جامعه را سد کند، تا بتواند نظام مستبد و ضد انسانی خود را از خطر اعتراضات کارگری و از این طریق کل جامعه برای یک دوره دیگر عبور دهد.

بازداشت مجدد محمود صالحی در ادامه همان سیاست ضد کارگری و ضد انسانی جمهوری اسلامی است و ضروری است با اعتراضات وسیع در داخل و خارج کشور روبرو گردد.

صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!



حزب سوسیالیست انقلابی ایران اقدام وحشیانه جمهوری اسلامی را قویا محکوم کرده و خواهان آزادی فوری محمود صالحی می باشد. حزب طبقه کارگر ایران، نیروهای آزادیخواه و همه فعالین کارگری را جهت اعتراض به اقدام جمهوری اسلامی و در دفاع از آزادی فوری محمود صالحی و کلیه کارگران بازداشتی فرامیخواند.

محمود صالحی و همه فعالین زندانی باید فوراً آزاد شوند و هرگونه تعقیب و اذیت و آزار ممنوع باید گردد.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

<http://www.simroz.org/index/>

«در محکومیت بازداشت و زندانی نمودن محمود صالحی»

در مقابل حذف فیزیکی و از میان برداشتن سیستماتیک و هدفمند فعالین کارگری نباید سکوت کرد.

روز شنبه ۶ آبان ماه محمود صالحی از فعالین و پیشروان جنبش کارگری همزمان با مراجعه به بیمارستانی در شهر سقز جهت درمان توسط نیروهای لباس شخصی دستگیر و سپس جهت سپری نمودن حبس تحمیل شده به زندان شهر سقز تحویل داده شد. در شرایطی محمود صالحی را تنها به جرم دفاع از خواسته‌های برحق طبقه‌ی کارگر و زحمتکش روانه زندان نموده‌اند که نامبرده به‌خاطر شرایط جسمی و مریضی‌های گوناگون حاصل از سال‌های زندان و مبارزه و زندگی پر از رنج و مشقت به‌عنوان یک کارگر خباز در سایه‌ی سیستم سرمایه‌داری احتیاج به درمان و مراقبت‌های پزشکی مداوم و در دسترس دارد. محمود به‌خاطر از دست دادن کلیه‌هایش در طی دوران بازداشت قبلی نیاز به دو نوبت دیالیز در هفته، تحت نظر پزشک متخصص دارد؛ همچنین به‌خاطر ناراحتی قلبی به‌تازگی عمل باز قلب انجام داده و از بیماری‌هایی چون فشار خون و قند نیز رنج می‌برد.

همگان بخوبی از شرایط تاسف بار حاکم بر زندان‌ها آگاهیم؛ فشارهای روانی و جسمی و همچنین نبود ابتدایی‌ترین امکانات پزشکی می‌تواند بر تسریع و پیشرفت درد و آلام نشسته بر پیکر محمود تاثیر مخرب و جبران ناپذیری بگذارد. تجارب قبلی ناشی از مرگ دل‌خراش رفقای همچون شاهرخ زمانی، کوروش بخشنده و محمد جراحی در زندان یا بعداً بر اثر عوارض ناشی از دوران حبس، زنگ خطر در پیش بودن تکرار فاجعه‌ای دیگر را برای همه‌ی کسانی که امروز نگران وضعیت محمود صالحی هستند را به‌صدا در آورده است.

بازداشت یک فعال کارگری در حین درمان و جلوگیری از انتقال او به زندان برای طی دوران محکومیت آن‌هم در شرایطی که سرمایه‌داران و چپاولگران دسترنج کارگران در سایه و حمایت قانون بورژوازی مشغول به تاراج بردن و تعرض هر روزه به سفره‌ی خالی کارگران هستند، خود موید این نکته می‌باشد که تلاشی هدفمند و سیستماتیک از طرف حامیان سرمایه برای از میان برداشتن و حذف فیزیکی فعالین کارگری و هر گونه صدای حق طلبی و برابری خواهی وجود دارد.

به همین اعتبار از همه‌ی انسانهای آزادی خواه و برابری طلب، تشکل‌ها و فعالین کارگری و هر آن‌کس دل در گرو دفاع از انسانیت دارد خواستاریم که در مقابل این تلاش‌های غیر انسانی سکوت نکنند و جا دارد که طبقه‌ی کارگر با فشرده کردن صفوف و اتحاد طبقاتی و مبارزاتی‌شان خواهان آزادی بی قید و شرط و بلادرنگ محمود صالحی و همه‌ی فعالین کارگری در بند گردند و با استفاده از هر ابزار ممکن در رساندن صدای حق طلبی طبقه‌ی کارگر جلوی تکرار فاجعه‌ای دیگر را بگیرند.

جمعی از فعالین علیه بی‌کاری - تهران ، سنندج و کامیاران

آبان ۱۳۹۶



آزادی، برابری، حکومت کارگری!



"شورایعالی کار" چکاره است؟ برای تعیین حداقل دستمزد کارگران به چه مکانیسم و تشکلهای باید متکی شد؟ (گفتگو با سلام زیجی)

سلام زیجی

حقوق کارگران در سال ۹۵ با اعلام افزایش ۱۲ درصدی حقوق سال ۹۵ کارمندان، وزیر کار می‌گوید ملاک افزایش مزد ۹۵ کارگران نرخ تورم است که در این صورت، حداقل مزد کارگران با افزایش ۸۵ هزار تومانی ۷۹۷ هزار تومان خواهد شد.

بدین ترتب این جنایت بزرگ ابتدا در دولت ضد کارگری روحانی سازماندهی و تصمیم‌گیری شده است و بعداً جلو این شورای مضحک می‌گذارند که بروند آنرا تحمیل کنند. جالب است که در عین حال بیشرمانه خود دولت هم به عنوان "طرف سوم و بی طرف" در آنجا تشریف فرما هستند! به علاوه طبق قانون کار جمهوری اسلامی "شورایعالی کار" وظیفه محوری خود را دفاع از قانون ضد کارگری جمهوری اسلامی و حراست از نظام و در این راستا تضمین "بالانس" قدرت اقتصادی کارگر به منظور سود آوری بیشتر سرمایه و تامین منافع دولت و کارفرمایان تعرف کرده است نه ارگانی مستقل برای بررسی و چانه زدن و مذاکره و معامله با کارگر بر سر تعیین حداقل دستمزد و یا اقدامی به نفع کارگر. فصل دهم قانون کار جمهوری اسلامی ایران به "شورایعالی کار" اختصاص داده شده است و در بخشی از ماده ۱۶۷ این فصل از قانون کار آمده است: «وظیفه‌ی شورا انجام کلیه‌ی تکالیفی است که به موجب این قانون و سایر قوانین مربوطه به عهده‌ی آن واگذار شده است.» یعنی همان "تکلیفی" که به آن اشاره کردیم.

از اینرو ضمن نقش ابزاری شورایعالی کار در دست سرمایه داران و دولت برای بازی دادن و تحقیر و سرکوب اقتصادی کارگران توجه می‌کنید که این جنایتکاران چگونه از هم اکنون و حتی قبل از رسیدن به موعد مقرر در اسفند ماه و یا دریافت گزارش "کمیته تحقیق"، و حتی بدون هیچ توجه ای به انواع آمارها حول میزان خط فقر، که اغلب چهار تا پنج برابر بیشتر از میزان نرخ حداقل دستمزد مورد نظر دولت را اعلام کرده اند، تصمیم گرفته اند که با بی رمق تر کردن سفره خالی خانواده های کارگری راه برای جذب سرمایه گذاریهای خارجی و فروش ارزانترین نیروی کار را برای سرمایه داران داخلی و خارجی مهیا کنند. این اولین ماحصل "برجام" و "پیروزی" دولت شاید "اعتدال" روحانی و رفع تحریمها برای طبقه کارگری است که سال ۹۴ را نیز با تدویم سرکوب و زندانی فعالین کارگر و سال تحقیر و گرسنگی و بیکار سازیهای وسیع، و تحمیل مرگ و میر گسترده دست و پنجه نرم کرد. هدف دولت و شورایعالی کار این است که سال ۹۵ را از راه تحمیل فقر و گرسنگی به مراتب بیشتر به طبقه کارگر میلیونی در ایران

توضیح نشریه سوسیالیسم امروز: گفتگوی که ملاحظه میکنید بخشی از میزگردی است که دو سال پیش از جانب نشریه "سازمانده کمونیست" در باره مبارزه کارگران برای تعیین حداقل دستمزد صورت گرفته است. در آن میزگرد سلام زیجی به سوال مربوط به جایگاه "شورایعالی کار" و مکانیسمها و نوع تشکیلاتی طبقه کارگر برای تعیین حداقل دستمزد پاسخ داده بودند. باتوجه به جاری بودن همین مسائل گرهی در جنبش کارگری و اینکه کل ماجرا از شورایعالی کار ضد کارگری تا تلاش برای تحمیل باز هم دستمزد بردگی در سال ۹۷ به کارگران و اینکه متأسفانه هنوز جنبش ما در تناسب قوای بسیار نابرابری بسر میبرد، باز تکثیر این بحث را در جهت کمک به آگاهی و ایجاد تحرک و وتشکل یابی طبقه کار از جمله در میدان نبرد طبقاتی و مهم "حداقل دستمزد سال ۹۷" ضروری دیده و مطالعه و توجه طبقه کارگر و فعالین دست انداز را مجدداً به آن جلب می‌کنیم. در این جا به روشنی به جایگاه واقعی "شورایعالی کار"، حضور "نمایندگان کارگران" در چنین نهادی، به جایگاه دولت در آن نهاد و تعیین دستمزد کارگران، و اینکه کارگران به چه مکانیسمهای و تشکلهای باید متکی باشند پرداخته شده است.

سازمانده کمونیست: در ایران "شورایعالی کار" هر سال میزان حداقل دستمزد را اعلام میکنند. "شورایعالی کار" شامل چه کسانی است؟ آیا با حضور نمایندگان کارگران در چنین نهادی میتوان طبقه کارگر ایران را نمایندگی کرد؟ در مقابل کارگران به چه مکانیسمهایی و چه نوع تشکلهایی برای تعیین حداقل دستمزد باید متکی شوند؟

سلام زیجی: قبل از پرداختن مستقیم به "شورایعالی کار" میخواهم تاکید کنم که واقعیت این است "شورایعالی کار"، از جمله در جایی که مسئله سرنوشت میلیونها کارگر را هر ساله تحت عنوان "حداقل دستمزد" تعیین میکند و در واقع به تباهی می‌کشد، بر عکس ادعایی که هست به هیچ عنوان ارگانی مستقل از دولت و کارفرما نیست. نه به خاطر اینکه وزیر کارشان ریاست آنرا بر عهده دارد یا اکثریت اعضای آن دولتی و کارفرمایی هستند، علاوه بر آن و مهمتر اینکه قبل از هر شکلی از نمایش "مذاکره سه جانبه" و تصمیم بر سر تعیین حداقل دستمزد از جانب این نهاد ضد کارگری، بدواً دولت تصمیم خود را میگیرد و این "شورا" در واقع وظیفه اش نهادینه و تحمیل کردن آن تصمیم در جلسات فرمایشی خودش است. سخنان اخیر وزیر کار جمهوری اسلامی گویای انکار ناپذیر این مسئله است. "محمدباقر نوبخت، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در گفتگوی ویژه خبری یکشنبه ۲۷ دی ماه ۹۴: پیش بینی حداقل

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

شورای عالی کار...

ملزومات جشن و استقبال بیشتر سرمایه داران جنایتکار ایرانی و خارجی را در جامعه ایران فراهم کنند. شورای عالی کار نقش "شرعی" تحقق این ملزومات را بر عهده دارد. اولین اقدام طبقه کارگر ایران زدن تو دهن این شورای ضد کارگری است.

"شورای عالی کار"، نهادی متشکل از نمایندگان دولت اسلامی و سرمایه داران و در راستای حراست از قانون اساسی و قانون کار ارتجاعی آن نظام سازمان داده شده است. ابزاردولتی و قانونی دفاع از نظام کار مزدی و استثمارگرانه ی حاکم در مقابل طبقه کارگر و مطالبات و تشکلهای مستقل آن، و مأمور تحمیل فقر و موقعیت نابرابر اقتصادی در قالب فریبنده ی "مذاکره سه جانبه" علیه طبقه کارگر ایران میباشد. "شورای عالی کار" وابسته به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت است. مطیع و مجری مستقیم تصمیمات دولت در زمینه دستمزد کارگران است.

اعضای آن شامل وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به عنوان رئیس، دو نفر دیگر که از نظر آنها "بصیر و مطلع در مسائل اجتماعی و اقتصادی" هستند، بنا به توصیه و خواست وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی عضو آن هستند، سه نفر از نمایندگان کارفرمایان، و همچنین سه نفر دیگر مورد قبول دولت و کارفرما تحت عنوان "نمایندگان کارگران" بنا به انتخاب کانون عالی شوراهای اسلامی کار به عضویت این نهاد در آمده اند.

بدین ترتیب از ۹ نفر عضو اصلی آن ۶ نفرشان رسماً و علناً دولتی و کارفرمایی هستند و ۳ نفر دیگر "نماینده کارگران" منتخب کانون عالی شوراهای اسلامی هستند که پرونده ضد کارگريشان برای همه کارگران روشن و شناخته شده است. در واقع همه اعضا این کانون وابسته به دولت و سرمایه داران و تماماً ضد کارگری و دشمن طبقاتی طبقه کارگر ایران هستند. در ضمن توجه داشته باشید که نمایندگان کارفرمایان در این نهاد دولتی تنها بیست درصد مراکز کار را در اختیار دارند و نماینده بیست درصدی کارفرماهای ایرانی را بر عهده دارند، بقیه را دولت در تصاحب خود دارد. از اینرو حضور دولت و وزیر کار آن که ریاست این نهاد دولتی را هم بر عهده دارد نماینده مستقیم بخش اعظم سرمایه داران ایران را دارند نه نقش "بیطرفانه" و "ثالث" آنطوری که ادعا میشود. این نیز جنبه دیگری از بوجی "سه جانبه نگری" را بر ملا میکند.

برعکس پروپاگاندا شیدانه ی بورژواها و حاکمیت که گویا نمایندگان دولت و کارفرما در این مرجع منافع متمایزی دارند، هر دو در تقابل با کارگر و حراست از نظام استثمارگراییانه در یک سنگر مشترک قرار دارند و نماینده ی طبقه بورژوا در جامعه اند! "نماینده کارگر" نیز در "شورای عالی کار" ترفند دیگر طبقه حاکمه به هدف سر باز زدن از برسمیت شناختن نمایندگان منتخب و واقعی طبقه کارگر و تیر زدن به پای کارگر در لباس کارگری است. اعلام این که "نمایندگان کارگری" عضو در این شورای عالی کذائی به عنوان "طرف سوم" حربه ضد کارگری دولت بورژوا اسلامی به هدف تحمیل تصمیمات و معاملات خود به عنوان "کشمکش و توافق کارگر و کارفرما" بر سر دستمزد، از جمله بر سر تعیین حداقل دستمزد میباشد.

ترفندی که تماماً در جهت به انقیاد کشاندن طبقه کارگر و نفس آزادی عمل آن طبقه و در ادامه ی سیاستهایی است که بیش از سه دهه حق اولیه ی کارگران از جمله حق تصمیم فروش نیروی کار خود، حق اعتصاب و اعتراض و حق ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت را از آنها سلب کرده اند.

آنچه که امروز به عنوان "نماینده کارگران" در "شورای عالی کار" رژیم شاهد آن هستیم، بر بستری حرمتی گسترده به شان کارگر و عدم برخورداری او از حق برابر شهروندی، عقب نشینی به آن به عنوان یک طبقه ی اجتماعی و تعیین کننده در سرنوشت جامعه، ممانعت از تشکل یابی کارگری آن طبقه، زندانی کردن و سرکوب بی وقفه رهبران پیشرو و سوسیالیست آن برای دولت و کارفرما ممکن گردیده است.

واقعیت این است، همچنانکه تا حال برای طبقه کارگر اثبات شده است، در بستری که این نوع نمایندگان خود گمارده کارگری قرار گرفته اند، حتی اگر "آدم دلسوزی" هم در بین آنها پیدا شود، هر چند واقعیت سخت تحمیل شده به کارگر از جمله در عرصه اقتصادی ممکن است اعتراض نیم بند برخی از آنها را بعضاً به صدا در آورد، اما به حکم قبول بازی تعیین شده از جانب دولت و سرمایه داران و قانون کار آن حاکمیت و حمایتشان از کلیت سیستم موجود، در موقعیتی قرار گرفته اند که جز تقابل با منفعت طبقاتی و قدرت و اتحاد و تشکل و آرمانهای آزادیخواهانه و سوسیالیستی طبقه کارگر نمیتوانند هیچ نقشی ایفا کنند.

به اسم کارگر تیر زدن به پای کارگر امری است که دقیقاً هدف دولت و کارفرماها در همین شورای عالی کار است. هیچیک از اینها منتخب کارگران ایران نبوده و نیستند! این برخاسته از تشکلهایی است که به عنوان "شاخه کارگری" جمهوری اسلامی و به هدف کنترل کارگران و به هم زدن اتحاد صفوف طبقاتی کارگران و ممانعت از تشکل یابی توده ای طبقه کارگر به طبقه کارگر ایران تحمیل و تنها در چهارچوب قوانین ضد کارگری رژیم دارند از کارگران "دفاع" میکنند. انجمن صنفی ها و خانه کارگر و شوراهای اسلامی ابزارهای ضد کارگری برای "دفاع" از کارگران ایران هستند، به ویژه خانه کارگریها و شوراهای اسلامی به قدمت جمهوری اسلامی و از اوایل قیام ۵۷ و دوره خط امامیهای آن زمان که در این دوره به اسم اصلاح طلب یا دولت "اعتدال" فعالیت دارند حضور داشته اند و در سرکوب و جاسوسی و عقب راندن رادیکالیسم درون طبقه کارگر بیش از دستگاه سرکوب عریان رژیم به جمهوری اسلامی و سرمایه داران خدمت کرده اند. همه ی این نهادها و از جمله نماینده "کارگری" آنها در "شورای عالی کار" بر اساس التزام به قانون اساسی جمهوری اسلامی، "غیر سیاسی عمل کردن کارگر، دوری کارگر از تحزب" خود، تلاش برای "بارآوری بیشتر سرمایه"، اجرا آئین نامه ها و مقررات اعلام شده دولت و کارفرما و... شکل گرفته اند و به رسمیت شناخته شده اند.

شورای عالی کار...

در این نوع مکانیزم دست ساخت دولتی حتی پیشروترین و دلسوزترین نماینده بخش طبقه کارگر هم در آن حضور داشته باشد نه تنها نمیتواند یک قدم طبقه کارگر ایران را به مطالبات سیاسی و اقتصادی خود نزدیک و متحد نگاهدارد، برعکس خود نیز در چهارچوب این مقررات و بازی که دولت و سرمایه داران برایش در قانون اساسی و قانون کار ضد کارگری تعیین گردیده است، فاسد و هضم خواهد شد. ناچاراً علیه منافع طبقاتی طبقه ی خود نقش ایفا خواهد کرد. وقتی به عرصه ی مبارزه برای تعیین حداقل دستمزد نیز خواهد رسید، با وجود آگاهی به فشار و تبعیضات آشکار و مداوم و گسترده به کارگر مجبور خواهد شد در همان قواعد و بازی که دولت و کارفرما از پیش تعیین کرده اند دست و پا بزند و سرش را زیر بگیرد. قبول ترفند "سه جانبه نگری"، بازی در تعیین مزد بر اساس "نرخ تورم اعلام شده ی بانک مرکزی"، "منفعت ملی"، "افزایش دستمزد زیاد باعث بیکاری و تورم بیشتر میشود" و یا "کارفرما توان پرداخت آن را نخواهد داشت" و غیره از جمله حربه هایی هستند که "شورای عالی کار" و اعضای آن بر اساس آن معنی پیدا کرده است. هر کسی ولو یک کارگر کمونیست و پیشرو نیز آنجا تشریف فرما شوند نمی تواند فراتر از این چهارچوب قدم بردارد.

در میان کلیت بندهای قانون کار ضد کارگری

ماده ۴۱، را بدست گرفته اند که گویا مشکل کارگر و دستمزد آنها در عدم اجرای بخش دوم این ماده ی بی خاصیت است و سر این ماده بی سر و ته مانور "کارگری" میزنند. وقتی به خود مفاد آن ماده هم نگاه میکنید "حداقل مزد بدون آنکه مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه ای باشد تا زندگی يك خانواده، که تعداد متوسط آن توسط مرجع رسمی اعلام می شود را، تأمین نماید"، چیزی بیشتر از آنچه دولت و شورای عالی کار و سرمایه داران میگویند و آنها هم بنا به تفاسیر خود و اتکا به همین "مراجع رسمی" این بخش دوم ماده ۴۱ را نیز همانطوری که تا حال انجام داده اند به سر انجام میرسانند و بخورد بقیه می دهند. گویا از مجرای آن میتوان چیزی نصیب کارگر کرد، این ترفند قانونی دولت سرمایه داران متأسفانه توهمات زیادی را در بخش هایی از طبقه ی ما حول این ماده ایجاد کرده است. اگر قرار است طبقه ی ما گامی به جلو بردارد تنها از کانال مبارزه متحد و ایجاد تشکل های کارگری-توده ای مستقل از دولت و تحمیل آن به دولت و کارفرما و شورای عالی کار و نهادهای وابسته به آنها ممکن خواهد شد نه بازی در میدانها و مکانیزمهایی که دشمنان طبقاتی طبقه کارگر برای ما تعیین و تعریف کرده اند!

اما مشکل جدی امروز جنبش ما نبود تشکل واقعی کارگری در مراکز مختلف کار و همچنین در بعد سراسری است که کارگران را نمایندگی کند و با ترفندهای دولت و کارفرماها نیز مبارزه جدی و متحدانه سازمان دهد. مبارزه گسترده کارگری در جریان است اما به دلیل پراکنده گی و غیر متحد

بودنش قادر به تغییر تناسب قوا و پیشروی کافی نمی شود. نبود تشکل توده ای مستقل از دولت و وجود خلا یک سیاست و افق سوسیالیستی روشن و همه گیر حلقه کلیدی شکست و ضعف و عدم پیروزیهای جنبش ما است.

در خلا چنین تشکل هایی، دولت سرمایه داران دوباره طبق "قانون" و بنا به آئین نامه های مختلف، کارگران را در صنف های متعدد و میزان دستمزدهای متعدد تقسیم و برای هر صنفی ضوابط و شرایط ویژه قائل شده و خواهد شد. این شرایط امکان مانور کارفرما و دولت را علیه دستمزد و حقوق کارگر را افزایش داده و قدرت و اتحاد و مطالبه روشن و مشترک کارگر را کاهش و پراکنده تر کرده است. علاوه بر آن بخشی از کارگران تحت پوشش "قانون کار" قرار دارند، و بخشی بدون هیچ پوشش "قانونی" یا بیمه اجتماعی، بخشی استخدام، بخشی روز مزد یا به صورت کنتراتی و بخشی زیادی با قرار داد موقت و سفید در مراکز مختلف صنعتی و غیر صنعتی مشغول به کار هستند که حتی تصمیمات جنایتکارانه حداقل دستمزد شورای عالی کار جمهوری اسلامی شامل حال آنها هم نمیشود.

در خلا وجود تشکلهایی واقعی کارگری و جلو نیامدن رهبران پیشرو برای طرح خواستها و مشخصاً در صورت نامشخص بودن سطح مطالبه کارگران برای تعیین حداقل دستمزد مورد نظر خود، تماماً و از هر سو همانند سالیان پیش مسیر این جدال نابرابر به نفع دولت و کارفرما رقم خواهد خورد. حیاتی است که صورت مسئله تعیین و طرح حداقل دستمزد کارگر از جانب دولت و کارفرما و شویالی عالی کار و

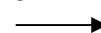
دویدن و چانه زدن کارگر حول آن بر عکس به دویدن و چانه زدن دولت و کارفرما و شویالی عالی کار حول تعیین میزان حداقل دستمزد مطرح شده از جانب کارگران و نمایندگان منتخب آنها در مراکز کار و در مجامع عمومی کارگری تغییر پیدا کند.

این مهم هم در گروه سروسامان دادن فوری رهبران پیشرو و سوسیالیست طبقه کارگر در جهت تأمین اتحاد صفوف طبقه از جمله در مراکز کلیدی و تلاش فوری برای ایجاد تشکلهایی توده ای کارگری در مراکز کار از جمله برگزاری مجامع عمومی کارگری و انتخاب نمایندگان و شوراهای خود و ایجاد کمیته های مشترک کارخانه و رهبری کننده برای افزایش دستمزد و طرح مطالبه واحد طبقه کارگر و تحمیل آن به دولت و شورای عالی کارشان.

طبقه کارگر بطور طبیعی و به حکم موقعیت کاریش از درجه ای از تشکل و تجمع برخوردار است. این امکان میدهد به سرعت و بر پایه آن تشکلهای پایدار و مستمر و مستقل از دولت و کارفرما و نهادهای ضد کارگری مانند خانه کارگر، شوراهای اسلامی و انجمن صنفی ها سازمان داد. همین امروز، و دقیقاً حول افزایش حداقل دستمزد و پس زدن شورای عالی کار و ترفندها و تصمیمات ضد کارگری دولت، ممکن است در همه مراکز کار مجامع عمومی کارگر را فراخوان داد و نمایندگان واقعی خود را انتخاب و با دولت و شورای عالی کار طرف شوند.

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

شورای عالی کار...



اعتیاد ابزار ارتجاع حاکم برای سرکوب خاموش جامعه

آثر کیمیا

با اتکا به مبارزات جاری و اتکا به مکانیزم و سنت پایه و طبیعی تشکل یابی کارگری، یعنی مجمع عمومی، تحرک گسترده کارگری و اتحاد و مطالبه مشترک کارگران را تامین کرد. نباید منتظر ماند و در انتظار شورای عالی کار و تشکلهای دولتی و زرد و سندیکالیستها بود! با گسترش اعتصابات و اعتراضات جاری کارگری و تلاش برای کسب حمایت بخشهای مختلف از این اعتراضات و اعتصابات میتوان آنرا حول افزایش دستمزد گسترش داد و هدایت و رهبری نمود. این وظیفه محوری رهبران پیشرو و سوسیالیست طبقه کارگر میباشد.

در این مقطع تبدیل آن تحرک به یک جنبش گسترده میلیونی برای خواست مشترک افزایش دستمزد میتواند ضمن تامین قدرت طبقاتی کارگران مانع تحمیل نقشه های جنایتکارانه دولت و شورای عالی کار، انطوری که وزیر کار فرموده اند تصمیم جنایتکارانه "۸۵ هزار تومان افزایش دستمزد" را به طبقه کارگر ایران تحمیل کنند. تنها راه ممانعت از تحقق این اقدام جنایتکارانه در خصوص ده میلیون کارگر و خانواده کارگری اتکا به خود آگاهی طبقاتی، اعلام مطالبات روشن و واحد از جمله حول تعیین حداقل دستمزد و اتکا به مجمع عمومی کارگری، به نمایندگان منتخب خود در مراکز کار در این مجامع و راه اندازی فوری اعتراضات و اعتصابات گسترده و به هم پیوسته در اقص نقاط ایران است.

بازتکثیر: شماره ۲۲ نشریه سوسیالیسم امروز ۴ نوامبر ۲۰۱۷

از طبقات زنان و دختران به سبک زندگی تبدیل شده است. مسئله اعتیاد زنان موضوع مهمی است که بیش از ۲۱ در صد معتادان کشور تحصیلات دانشگاهی دارند. ۶۳ در صد آن ها متأهل و ۵۳ در صدشان شاغلند. ۵۵ درصد طلاق ها نیز ناشی از اعتیاد هستند. تعداد زنان معتاد در ایران ظرف چهار سال دو برابر شده است.

۴ میلیون و پانصد هزار نفر آخرین آمار رسمی معتادان ایران است، که به نقل از گفته های سردمداران رژیم در مطبوعات حکومتی ذکر شده. با توجه به اینکه سردمداران رژیم ارتجاعی حاکم بر کشورمان آمار و ارقامی دقیق و درست در خصوص آسیب های اجتماعی که خود مسبب آنها بوده اند هرگز ارائه نمی دهند تعداد معتادان به مواد مخدر بیش از اینها میباشد. ارائه این آمار در حالی است که جمهوری اسلامی تا کنون هزارها انسان را به جرم پخش مواد مخدر حلق اویز و یا اعدام کرده است اما اعتیاد به انواع مواد مخدر و روانگردان سنتی و صنعتی همچنان در ایران رو به گسترش است و این نشان می دهد که اولاً اعدام وحشیانه انسان راهی برای توقف آن نیست و ثالثاً خود رژیم از وجود گسترش صف محتادان در کشور هم از نظر مادی و هم سیاسی همواره بهره برده است.

مادام که مردم و به ویژه نسل جوان در سایه حاکمیت رژیم اسلامی جز تیره بختی هیچ چشم اندازی برای آینده خود

اعتیاد پدیده بسیار ویرانگری است که در جامعه ایران بدون توقف در حال قربانی گرفتن است. طبق آمارهای رسمی، که معمولاً دوبرابر کمتر گزارش داده میشود ابعاد وحشتناک عوارض اعتیاد و حواشی ناشی از آن چنین است: همسر ازاری ها ۵۵ در صد طلاق ها، ۳۰ در صد کودک ازاری ها، و ۲۵ در صد جرایم قتل با منشائی اعتیاد رخ می دهند. ۵۷ در صد معتادان ایران تخصص دارند، افزایش گرایش زنان به مواد مخدر در ایران در حال حاضر ۵۸ در صد، و معتادان کشور در سنین ۱۵ تا ۳۴ قرار دارند. رشد اعتیاد زنان در زندان که قبلاً ۵ در صد بود در حال افزایش و نزدیک ۱۰ درصد است. هر روز دست کم ۸ نفر در ایران قربانی مصرف مواد مخدر می شوند. ۹۲ در صد مردم اعتیاد را اولین آسیب و جدی ترین آن در جامعه دانسته و متأسفانه آمارها نشانگر حرکت پیش رونده اعتیاد در جامعه است.

میزان مصرف سالانه مواد مخدر در ایران ۵۰۰ تن اعلام کرده اند. میزان ابتلای زنان به اعتیاد شدیداً رو به افزایش و سن اعتیاد زنان و دختران شدیداً رو به کاهش است. سن اولین مصرف مواد در اکثریت دختران سنین دبیرستان است. حدود ۱۵ درصد از معتادان کشور را زنان تشکیل می دهند حشیش و کوکائین در تهران برای برخی

نمی بینند رواج انواع مصائب از جمله اعتیاد و فحشا و جنایت سیر تصاعدی خواهد داشت بخصوص در سایه جمهوری اسلامی که خود از بزرگترین توضیح کنندگان مواد مخدر در سطح جهان است. آمارها نشان میدهد که افغانستان ۷۴ در صد خشخاش جهان را تولید می کند و با توجه به اینکه ایران به عنوان گذرگاه مهم عبور مواد مخدر و تغذیه کننده جهان محسوب می شود نقش ارگانهای حکومتی از جمله سپاه پاسداران در این تجارت غیر قابل انکار می شود طبق گزارشات ویکیلیس در پی دستیابی به اسناد سری وزارت خارجه امریکا از نقش جهانی سران رژیم در قاچاق مواد مخدر پرده برداشته. در اختیار منتشر شده توسط ویکیلیس نوشته شده در امد سپاه پاسداران از قاچاق مواد مخدر به اروپا بالغ بر چندین میلیارد یورو است. بر اساس این اسناد مواد مخدر توسط ایران به آذربایجان منتقل می شود و از آن جا به اروپا صادر می گردد.

در داخل کشور نیز اعتیاد و قاچاق مواد مخدر روز به روز ابعاد وسیعتری بخود گرفته و دلالان مواد مخدر در سایه حمایت جمهوری اسلامی عرصه جامعه را به بازار بزرگ خرید و فروش و مبادله مواد مخدر سنتی و صنعتی تبدیل کرده اند. هزاران خانواده بهم ریخته اند،



تتها با مرگ چنین حاکمیت ضد انسانی و مرگ و سقوط نظام سرمایه داری و محور استثمار و منفعت طلبی بی حد و حصر سرمایه داران و حامیان آنها است که نسل انسان از قید و بند هزاران مصیبت اجتماعی از جمله اعتیاد، که زندگی او را تهدید می کند، آزاد خواهد ساخت. آنزمان است که انسان استثمار نخواهد گشت و خود صاحب دسترنج خویش خواهد گردید و غارت و دزدی معنی خود را در جامعه از دست خواهد داد و رفاه و سعادت و برابری و آزادی به یک امر همگانی تبدیل خواهد شد. **پیش به سوی نظام سوسیالیستی!**

باند های گرداننده چرخ تولید این مواد همیشه مجهول باقی میماند و تنها تولید و توزیع مواد مخدر همچنان ادامه می یابد و بر انبوه قربانیان روز به روز افزوده می شود.

دلیل این امر در این است که قاچاق مواد مخدر نیز مثل تمامی مواردی از این قبیل در دست باند های خود جمهوری اسلامی است. در عالم واقع جمهوری اسلامی نه تنها نمی خواهد بر علیه مواد مخدر مبارزه کند بلکه گسترش و اشاعه مواد مخدر را به عنوان یکی از ابزار های حاکمیت ننگین خود و سرمایه در سیه روزی توده های مردم و اسارت آنان لازم میدانند.

افزودن تعداد اعدامهای معتاد به مواد مخدر موجب کاهش این افراد و حل چنین معضل اجتماعی می گردد، بر عکس از آنجا که هم از نظر مادی و هم سیاسی خود رژیم نیاز به گسترش اعتیاد دارد در به راه انداختن بساط اعدام خود در گسترش آن دست دارد. آنچه که بایستی به آن فکر کرد این است که روزانه هزاران تن مواد مخدر چگونه پخش می گردد و چگونه و از جانب چه نهاد وارگان قدرتمندی تولید می گردد و پخش می شود؟ واقعیت این است که جمهوری اسلامی از ابتدای بقدرت رسیدنش منشا گسترش و اشاعه تمامی اعمال نفرت انگیز و زشت نظام سرمایه داری انهم در اشکار ترین شیوه ممکن بوده که مواد مخدر نیز به عنوان یکی از ابزار های سیه روزی توده های مردم و اسارت آنها از جانب نظام سرمایه داری ایران که جمهوری اسلامی بعنوان رو بنای سیاسی آن به شمار می رود ارزیابی میگردد. رژیم ارتجاعی و جنایتکار جمهوری اسلامی از همان ابتدای قبضه کردن قدرت به فتوای خمینی برای تامین مخارج نظامی به قاچاق مواد مخدر مشغول گردید و سراسر کشور از پخش ارزان مواد مخدر به عنوان ابزاری علیه جوانان استفاده کرد. واقعیت این است که باند های اصلی تولید مواد مخدر و قاچاق آنها نه تنها در داخل کشور بلکه صدور آن به اقصی نقاط جهان هم دست اندر کاران خود جمهوری اسلامی هستند. همه شواهد حاکی از آن است که تولید مواد مخدر و فروش آن یکی از منابع درآمد عظیم جمهوری اسلامی است. بیهوده نیست که در همه کشفیات مامورین جمهوری اسلامی

اعتیاد ابزار ارتجاع ...

هزاران خانواده دیگر با یاس و ناامیدی قربانیانی از این بیماری را در جمع خود دارند و هزارها خانواده نیز نگران آنند که در سایه اقتصاد ورخشکسته و بحران زده رژیم جمهوری اسلامی دیو اعتیاد کی زنگ خانه آنها را بصدا در می آورد . اعتیاد ضمن اینکه خود یک مصیبت عظیم اجتماعی است عواقب خانمانسوز دیگری مثل دزدی فحشا خود فروشی خود کشی مرگ در خیابان و حتی فروش کو دکان معصوم به منظور تا مین مخارج اعتیاد و غیره را به دنبال دارد . بازار بچه فروشان به خرید و فروش گسترده کودکان در دروازه غار تهران اشاره کرده است.

در این گزارش آمده این بازار مانند وال استریت است با این تفاوت که این جا با بچه تجارت می کنند از صد هزار تومان تا پنج میلیون تومان قیمت کود کانی است که بنا بر این گزارش در دروازه غار خرید و فروش می شوند یکی از مسائلی که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی از همان بدو موجودیت خود همیشه برای "ریشه کن" ساختن آن به انواع و اقسام شیوه ها توسل جسته مسائله مواد مخدر بوده است. آنچه مسلم است جمهوری اسلامی با قانون و بی قانون تا کنون هزارا نفر را به جرم اشاعه اعتیاد به جوخه های اعدام سپرده است اما علیرغم این اعدامها و کشتار های بی محابای سران رژیم نه تنها اعتیاد از میان نرفته بلکه دامنه هر چه مخرب تر و گسترده تر ی نیز یافته است. بهمین دلیل نمی توان گفت که

	iransocialist2017@gmail.com	www.simroz.org	
۰۰۳۳۷۰۸۰۷۸۴۱۰ / ۰۰۴۷۹۲۸۳۱۳۳۷۶ / ۰۰۴۶۷۲۲۳۴۹۶۸۳			

حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان پرشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیتانت علیه وضع موجود و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و همه ارکان مذهبیش ضرورت اولیه سازماندهی جنبش حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشان، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند!

حزب سوسیالیست انقلابی را به دوستان خود معرفی کنید. در اشکال مختلف تاسیس حزب انقلابی خود و آرم و آدرسهای تماس با آن را در مراکز کارگری و میداین شهرها و محلات بخش کنید. در هر جا که هستید چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروههای مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیایید.

از هر راهی که از نظر امنیتی مناسبتر میدانید با حزب تماس حاصل نمایید.

زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!



زاگرس ابراهیمی

رفراندوم اقلیم کردستان عراق ، حق تعیین سرنوشت، یا بازی با سرنوشت !

همانطوری که میدانیم شرط تعیین سرنوشت از مبانی دموکراسی و حق مسلم هر جامعه ای و ملتی است که بخواهند در تعیین سرنوشت خود نقش اساسی داشته باشند و آزادانه نوع و مسیر زندگی خود را تعیین کنند. اما باید شرایط را به درستی سنجید زیرا اینجا خاورمیانه است جایی که تمامی ملت ها و دولت ها نه با رأی بلکه با خون و جنگ توانستند "سرنوشت" خود را تعیین کنند.

بعد از اعلام و مشخص شدن روز انجام همه پرسی یا رفراندوم از طرف اقلیم کردستان عراق، دولت های ایران، عراق، ترکیه و حتی غرب هم کم و بیش راجب به مسئله اعلام تصمیم رفراندوم اقلیم کردستان، روزانه در مطبوعات خود اعم از تلویزیون و روزنامه و... بخشی از اخبار خود را به موضوع رفراندوم در اقلیم کردستان عراق اختصاص دادند و موضع درست یا نادرست بودن رفراندوم و عواقب و ضرر های آن را چه به صورت "دوستانه" و چه با زبان تهدید مدام به سران اقلیم کردستان عراق و جامعه جهانی گوش زد میکردند که نباید رفراندوم صورت بگیرد!

نفس چنین تهدیدها و سر انجام قلدربها و لشکر کشیهای نظامی به خاطر رفراندوم شهروندان معلوم است که غیر قابل قبول و نشانه ضدیت آن دولتها به هر شکلی از رقم خوردن سرنوشت جامعه از کانال خود مردم است. اما با این حال متأسفانه رهبری اقلیم کردستان درک درستی از مسئله استقلال و

رفراندوم در خاورمیانه را نداشت و با پافشاری های خود در روز معین شده انتخابات را برگزار کرد بدون اینکه توان سازماندهی مقابله با مخاطراتی که پیش آمد داشته باشد. بعد از برگزاری انتخابات تهدید های کشورهای همسایه و حکومت مرکزی عراق جامه عمل به خود پوشاند و تمام تمرکز خود را بر سر این موضوع بنا نهادند که به هر نحوی که شده است موضوع استقلال و جدایی اقلیم کردستان عراق را از عراق منقعی کنند. نه تنها این کشورها بلکه غرب نیز به نوبه خود مخالفت خود را با اعلام استقلال کردستان اعلام نمود. چنانکه مشاهده کردیم حتی طی بیان نامه ای که از وزارت خارجه آمریکا صادر شد برگزاری انتخابات هم به مشروعیت شناخته نشد چه برسد به نتیجه ی آن و سران اقلیم را به مذاکره و حل مشکلات با حکومت مرکزی عراق تشویق میکردند.

به باور من عدم درک درست برخی از رهبران اقلیم از شرایط کنونی عراق، منطقه و نقش قدرتهای منطقه ای در عراق و تنش های بین احزاب موجود در خود اقلیم کردستان عراق و درس نگرفتن از تجارب سالهای قبل خود باعث آن شد که حق تعیین سرنوشت به بازی با سرنوشت مردم تغییر بکند. آنچنان که مشاهده کردیم بعد از اعلام نتایج انتخابات طی لشکر کشی هایی که در روزهای گذشته در مناطق کرکوک و خانقین و طوزخورماتو و... اتفاق افتاد بیشتر از صد هزار از ساکنان کرکوک و... آواره شدند و حتی کشته و زخمی های مردمی هم برجای گذاشت که

ادامه در صفحه ۱۰

نقش زنان در سیاست! برخیزید زنان!

تینا خلیفه ای

ابعاد جدید نقش زنان در سیاست در سال های اخیر در سراسر جهان بوجود آمده است. زنان بیشتر و بیشتر وارد سیاست شده اند. سیاست های متعارف منافع مردان را منعکس کرد و از این روزنان در سیاست کمتر نقش داشته اند.

سیاست های "رفاه" در ساخت و تقویت موقعیت سنتی زنان به عنوان زن و مادر نقش داشته است. زنان در مورد مسائل مربوط به آنها، به ویژه حقوق خود را به اموال و رای دادن در قرن نوزدهم و سقظ جنین، پرداخت حقوق مساوی و مهد کودک در قرن بیست و یکم مبارزه کرده اند.

در هند، جنبش های اصلاحی قبل و بعد از استقلال، زنان را نیز توانست در سیاست قدرت بدست آورد. پس از استقلال، آنها به یک پیشرفت بی سابقه سیاسی دست یافتند، با رزرو کرسی ها برای آنها و دیگر سازمان های دولتی. خوشحالم که توجه داشته باشم که زنان هندی در میان اولین کسانی بودند که حقوق سیاسی (حق رای) بدون هیچ گونه حرکت سیاسی مانند ایالات متحده آمریکا و بسیاری از کشورهای غربی را به دست آوردند. آنها در میان مهمترین بخش های حضور فعال در سیاست در دوران قبل از استقلال بودند.

اگر مشارکت زنان در سیاست را به عنوان یکی از اندازه گیری های رهایی آنها در نظر بگیریم، در حال حاضر تعداد آنها در مقایسه با مردان در مجامع دولتی و مجلس بسیار پایین است.



اگر مشارکت زنان در سیاست را به عنوان یکی از اندازه گیری های رهایی آنها در نظر بگیریم، در حال حاضر تعداد آنها در مقایسه با مردان در مجامع دولتی و مجلس بسیار پایین است. تنها در حدود ۱۱ درصد است (۲۶ زن در خانه بالا - راجیا سبحا که شامل ۲۴۵ عضو و ۵۹ زن در خانه پایین است - لک سبحا که شامل ۵۴۳ عضو است. در سوند ۴۵ درصد کرسی ها توسط زنان در پارلمان قرار دارند. تا آنجا که به دولت مربوط می شود، تنها ۵۹۵ زن مأمورین آی اس از ۴،۶۷۱ افسر وجود دارد. تقاضا برای امتیازات ویژه و امتیازات همراه با رزرو پست ها در مجامع و پارلمان (این لایحه در انتظار بیش از ده سال گذشته است) و دیگر موسسات مدنی گامی چند به سمت توانمند سازی زنان در هند می باشد.

زنان شروع به نوشتن و خواندن آنچه زنان دیگر کرده اند، شروع کرده اند. در طول دو دهه گذشته، نوشته های بسیاری از نویسندگان زن (مانند ارواندی روی) توسط موسسات بین المللی مشهور شده اند. در زمینه روزنامه نگاری بسیاری از زنان وجود دارند که پیش از آن مردان بودند. در حال حاضر او وبلاگ ها و شبکه ها را با استفاده از آن برای آزادی که تا کنون رد شده است، به صدا در می آورد، او را خشمگین و مخالفت می کند، نیاز به پذیرش و تایید را برآورده می کند.

ادامه در صفحه ۱۲

اسلام و تسلیم نقطه مقابل آزادیند (قرآن را با زبان مادری بخوانیم)

سهراب کرماشانی

سوره ایی که با کلمات گنگ و رمزوراز از قبیل الف و لام و میم شروع میکند تردید را بوجود آورده و دیگر نیازی به اثبات موضوع نیست در مورد اینکه ما سوره ایی بمانند قرآن بیاوریم و افعا ما نمیتوانیم چونکه ما راستگویییم و صداقت پیشه. چگونه ما میتوانیم حقایق را تحریف کنیم...

آیه ۲۴: " و اگر این کار را نکردید و هرگز نتوانید کرد پس طعن به قرآن مزید و بترسید از آتشی که هیزمش مردم بدکار و سنگهای خارا ست که مهیا شده برای کافران از قهر الهی..."

چرا ماطعنه بزنییم ما واقعیتی را نوشتیم که خود گفته اید. آیالین طعنه است و چرا بترسیم از جهان آخرت که همه اش سرتاسر نیرنگ و فریب است. مردم آگاه و صداقت پیشه هیچگاه از زندگی کردن در این دنیا ترسی نداشته و ندارند و خوب هم میدانند که جهان آخرت ساخته و پرداخته توهم شماهاست. در پایان لازم به ذکر است که خود تاریخ هم گواهی میدهد که این کتاب توسط "عثمان" جمع آوری شده و زمان زمامداری محمد این کتاب نشر پیدا نکرده و بیشتر آن درون تفکر اصحاب محمد بود و اندک نسخه هایی را بروی پوست حیوانات بدون دباغی شده نوشته و پس از مرگ محمد بیشتر از هشتاد درصد از نسخ یا آتش گرفت و یا از بین رفت...

ادامه دارد...

زنده باد کارگر

نابوباد جمهوری توهم

زنده و پیروز باد حزب سوسیالیست انقلابی ایران

قابل توجه خوانندگان محترم سوره بقره از "سوره های مدنی" است و مثلاً در زمانی نوشته شده که محمد در مدینه بوده و آنچنان نفوذ و قدرت نداشتند و به قول خودشان سوره های مدنی مقداری ملایم و مردمی تر نوشته شده است!!!

آیه ۲۰: "که برق روشنی چشمهایشان ببرد آنها هر وقت روشنی ببینند در آن روشنی قدم برداشته و هر وقت تاریک شد حیرت زده می ایستند و اگر خداخواست گوش آنها را ببانگ رعد کر و چشم آنانرا بتابش برق کور میساخت که خداوند بر همه چیز قادر است."

این آیه همانند آیه قبلی تهدید و ترس را به دنبال دارد و از ابزارهایی استفاده کرده که در طبیعت موجودات آن زمان کسی نمیدانست رعد و برق بر اثر برخورد دو ابر یا دوجبه هوا به وجود میآید و همه فکر میکردند که کسی دارد اینها را اداره میکند و اداره کننده آن بر همه چیز قادر و تواناست و این خود یکی از مهمترین موانع پیشرفت مسلمانان امروز است.

آیه ۲۱: "ای مردم خدایی را پرستید که آفریننده شماست و آنانکه پیش از شما بودند باشد که به طاعت و معرفت او پارسا و منزه است..."

دقیقا مردم همین کار را کرده اند ولی آیا شما خدای آنها را قبول دارید؟ پس چرا دینشان را نمی پذیرید؟ شماها در دین خود درمانده اید، اسلام و قرآن به بیشتر از ده مذهب رسمی و غیررسمی تبدیل شده. آیات قرآن اگر شفاف و بدون تناقض میشد دیگر جدایی و نفاق مذاهب اصلا نبود. پس شما خود بزرگترین منافق دنیا هستید. در آخر آیه هم آمده که "پارسا و منزه" شوید، ملت شریف ایران هزاران سال است که هم پارساست و هم منزه و پاک اندیش. ولی آیا شما گذاشتید که ما پارسا بمانیم و آیین خود همانا که "زرتشت پاک" است حفظ کنیم؟

آیه ۲۲: "آن خدایی که برای شما زمین را گسترده و آسمانرا برافراشت و از آسمان آبی فرو بارید که بیرون آورد بسبب آن آب میوه های گوناگون تا روزی شما گردد پس کسی را مثل و مانند او قرار ندهید در صورتیکه میدانید خدا بی مانند است..."

نویسنده در اینجا واقعا نمیدانسته که ابتدا آسمان و کیهانها آفریده شده اند و پس از آنست که زمین از خورشید جدا شده و محور آن میگردد. دوما گسترده بودن به معنای وسیع و پهن بودن زمین است و ما مطمئیم که زمین نه گرد است و نه بیضی، حتی در اینجا اشاره ای کوچک به ابتدایی ترین علوم هواشناسی و علم زراعت و باغبانی نداشته که حداقل بتواند آنچه که امروز کارشناسان و متخصصین امر به آن واقفند تثبیت نماید. کلی گویی های آیات تا به حال گمراه کننده و گنگ بوده.

آیه ۲۳: " و اگر شما را شکی است در قرآنی که ما بر محمد بنده خود فرستادیم پس بیاورید یک سوره به مثل آن و بخوانید گواهان خود را و از بزرگان و فصحا هر که را کمک خواهید بجز خدا اگر راست میگویند..."

در آیات ۱ و ۲ سوره بقره جای هیچ گمانی نیست که این کتاب سر تاسر دروغ و نیرنگ است و به آن نمی پردازیم.

فراندم اقلیم کردستان ...

موجب دامن زدن بیشتر به تنفر ملیتی و قومیتی بین کرد و عرب و ترکمن های مناطق مورد مناقشه شد و تمامی این اتفاقات و شکست ها از یکسو ریشه در بیماری سیاسی تاریخی احزاب کورد در اقلیم و ناتوانی آنها در رهبری چنین پروژه ای را دارد، و از سوئی دیگر در ضدیت دولتهای فاشیستی و ضد مردمی مانند ایران و عراق و ترکیه با حق آزادی انسان و انتخاب آزادانه شهروندی و حل مساله کرد در منطقه و عراق دارد!

عدم متحد بودن احزاب داخل اقلیم و چند دستگی آنها و زیاده خواهی های احزاب حاکم بود که منافع حزبی خود را به منافع آهروندان ترجیح دادند، همچنان که شاهد هستیم در گذشته و تاریخ این اقلیم و احزاب حاکم آن، جنگ های خونینی نیز اتفاق افتاده است که ریشه این جنگ ها نیز تنها به علت حفظ منافع حزبی بود است نه منافع مردم برای آزادی و رهائی. در ویدیو که آقای بارزانی در تاریخ ۲۹ اکتبر در شبکه های تلویزیونی اقلیم پخش شد صراحتاً به علل شکست های اخیر اقلیم اشاره کرد و انگشت اتهام را به سوی تعدادی از رهبران حزب اتحادیه میهنی کردستان دراز کرد و آنها را مصوب این شکست تاریخی اعلام کرد.

از عوامل مهمی که منجر به این شکست تاریخی شدند میتوان به این موارد اشاره کرد:

- نامتحد بودن احزاب کورد داخل اقلیم بخصوص حزب دمکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی کردستان عراق - عدم تقسیم عدالت در قدرت در بین احزاب چپ و راست در اقلیم - سعی در قبضه کردن قدرت از طرف احزاب سنتی که بارها برای جامعه شکست و مشکلات و جنگ داخلی درست کرده اند - وابستگی به جمهوری اسلامی ایران - دلخوش بودن تعدادی از سران اقلیم به پشتیبانی های غرب از جمله امریکا، و به ویژه نبود یک حزب مردمی و سکولار و چپی که رهبری چنین اتفاق مهمی را در دست بگیرد و کل جامعه را برای آن آماده مینماید.

کارگران! حزب سوسیالیست انقلابی حزب شما است، به آن پیوندید!

نسل جوان، نسل آزادیخواه و نسلی در حرکت

(قسمت دوم)

عزیز آجیکند



با دشمنانی چون سپاه پاسداران در افتاده در جنگی ناجوانمردانه در میدانی وسیع به پهنای همه انسانیت از دشمن خود و از فرهنگ ارتجاع زخم بسیار خرده است. تلفات داده است و ترور شخصیت شده اما باز در حرکت است و به پیش می رود تا بتواند جمع دیگری را در جامعه با خود همراه کند.

طی ۳۸ سال این نسل مورد تعرض قرار گرفته . با زندان و مواد مخدر و هر معضل دیگر در جامعه کنار آمده و مبارزه کرده اما به هیچ وقت فریادهایش شنیده نشده. بیداری سیاسی در میان جوانان امروز، به مراتب بالاتر و فراگیرتر از هر زمان دیگر است، در این جا تردیدی نمی بینم اگر بگوئیم که در طول بیش از ۳۸ سال جنگ و خونریزی و بدبختی و مداخله آشکار ولایت فقیه و سپاه و اطلاعات در زندگی خصوصی و سرکوب جوانان ، بزرگترین عامل بیداری سیاسی نه تنها در میان جوانان، بلکه در میان اکثر مردم ایران است. در این ۳۸ سال معضلات اجتماعی در جامعه ایران که متأسفانه بیشترین نیروی مصرفی آن را جوانان تشکیل داده است، خود یکی از مهمترین ابزارهای بیداری سیاسی در میان جوانان است. چون جوانان که بیشتر از هر گروه و قشر دیگری در برابر

آنچه که مربوط به دوران کودکی است پشت سر گذارد. وی می خواهد اعمالی انجام دهد تا نشان دهد از کودکی فاصله گرفته و به قلمرو بزرگان وارد شده است. واقعیتی که هر یک از ما و نسل های قبل از ما آنرا تجربه کرده ایم.

نیاز به استقلال دوره شکوفایی یک جوان است. در این دوره جوان آرزو می کند که خود را از زیر بار نفوذ والدین خود آزاد کند و مستقل گردد. او مایل است تا دور از نظر اعضای خانواده درباره مسایل مربوط به خود فکر کند و فعالیتهای آینده را طراحی نماید. وی علاقمند است زندگی خود را اداره کند لذا میل به احراز استقلال و شخصیت همزمان با تحولات جسمانی در نوجوان آشکار می گردد. لذا ضروری است که تمایل به استقلال و شخصیت نوجوان به درستی ارضا شود. چون استقلال تصحیح کننده مسئولیت فردی جوانان است و کسب شخصیت شرط عضویت آنان در امور اجتماعی است.

جوانان تجارب ارزشمندی از گذشتگان خود دارند که با وجود نظرات سازنده آنه اکه همه در جهت آزادی و رفاه عموم بوده و هیچ نیستی جز خدمت کردن به مردم در جهت سرنگون کردن نظام های حاکم و دیکتاتوریت و برقراری یک دنیای برابر برای همه انسانها، نداشته اند.

نسل جوان امروز بحرانهای زیادی را پشت سر گذاشته است. این نسل قدم به قدم با خواستههای خود رشد کرده، راه پیمود و تا به امروز رسیده است .

سرمایه داری و از دست همین نوع دموکراسی طلبی راست بورژوازی در جهان)، از طرف دیگر ادبیات علمی گسترده و مناسبی برای تبیین علمی گذار جوامع به دموکراسی تولید کرده است. همچنین در سال های اخیر نقش جنبش های اجتماعی در عرصه سیاسی- اجتماعی جوامع افزایش و دامنه فعالیت این جنبش ها از سطوح ملی به بین المللی گسترش یافته است.

در کل حرکت دموکراسی خواهی جوانان را می توان بیانگر تلاشهای آگاهانه بخشی از جوانان جامعه به منظور شروع و یا مقاومت در برابر تغییر نظم اجتماعی دانست.

جوانانی که تحت تاثیر تحولات فرهنگی و سیاسی در جامعه و جهان قرار گرفته اند، اینک می توانند پیشتر از یک مبارزه واقعی برای سرنگونی ارتجاع باشند. ارتجاعی که زندگی شان را به دوزخ تبدیل کرده است . جوان امروز نمی تواند خود را در یک فضای بسته افکار کهن ببیند. آگاه شدن جوانان به مسائل سیاسی نگرشی جدید نسبت به سیاست، حیطه ای است که رشد هویت اجتماعی را امکان پذیر میکند. مدرسه، گروه های نوجوان، هم سالان و رسانه ها، و هر شیوه جنب و جوشی که در سطح اجتماع پیش آید و دولت و دولتمردان را نشانه رود، نوجوان را با موضوعات سیاسی روبه رو می کند. نزدیک شدن به سن حق رأی داشتن و از جهت حقوقی بالغ محسوب شدن، توجه فرد را به مسائل سیاسی افزایش می دهد.

نوجوان کوشش می کند موقعیت افراد بالغ را به دست بیاورد و

جوانان نیروی سر زنده و پر جنب و جوش جامعه اند. نقش جوانان در همه عرصه ها تعیین کننده و سازنده است. اگر از گذشته های دور تاریخی صرف نظر کنیم و نقش جوانان را تنها در ۳۸ سال اخیر مورد پژوهش و ارزیابی قرار دهیم، بخوبی در میابیم که جوانان در این مدت نقش تعیین کننده ای در همه عرصه ها به خصوص عرصه سیاسی در ایران داشته اند . نیرویی دخالت گر و پر جنب و جوش که با احساس مسئولیت قدم در راه ساختن آینده خویش و جامعه خود بر داشته است.

در چند دهه اخیر بویژه از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، دموکراسی خواهی جایگاهی برجسته در میان دیگر شیوه های مبارزه در میان جوانان آزادیخواه در سطح جامعه پیدا کرده است. و از همین رو مطالعه فرایند گذار از رژیم های دیکتاتور را به نظام های سیاسی مردم سالار، به یکی از مباحث مهم جامعه شناسی سیاسی معاصر تبدیل کرده و در بین قشرهای مختلف جامعه به خصوص جوانان فرا گیر شده است. از طرف دیگر جهانی شدن ارزش های دموکراتیک از یک طرف و تجارب ناشی از تحولات سیاسی - اجتماعی بسیاری از کشورها برای استقرار یا تحکیم دموکراسی(دموکراسی نه به مفهوم که در سیاست اقتصادی غرب و امریکا رایج است و یا با آن اسم و به هدف " صدور دموکراسی" خارمیانه را در خون و جنون فرو برده اند، و اهداف ضد آزادیخواهانه به پیش میبرند بلکه به معنی آزادی و ،

ادامه در صفحه ۸

زنده باد مبارزه رادیکال، سوسیالیستی و ضد مذهبی فرهنگیان!

اطلاعیه!

به اطلاع میرسانیم که بحثی در باره "بازداشت فعالین کارگری از طرف جمهوری اسلامی" ارائه خواهد گردید.

ارائه دهنده: عزیز آجیند

زمان: روز یکشنبه مورخه ۵/۱۱/۲۰۱۷ برابر با ۱۴ آبان سال ۱۳۹۶ خورشیدی ساعت ۱۹ به وقت اروپای مرکزی از طریق شبکه اجتماعی فیسبوک به شیوه زنده

با تشکر از شرکت و همراهی همه علاقمندان! دبیرخانه حزب سوسیالیست انقلابی ایران ۳ نوامبر ۲۰۱۷

نقش زنان در سیاست...

سمینار بحث و گفتگو شورای دفاع از جنبش کارگری در ایران – گوتنبرگ، سوئد برگزار می کند

سمینار بحث و گفتگو درباره دستمزدهای کارگران در ایران به طور عام و در سال آینده به طور خاص. با شرکت رفقا:

سلام زیجی از حزب سوسیالیست انقلابی ایران
عباس منصوران از حزب کمونیست ایران
عضوی از شورای دفاع از جنبش کارگری

مکان: سالن اجتماعات هاگا-بیو (Hagabio)
زمان: یکشنبه ۱۲ نوامبر (November)،
ساعت ۱۴ بعد از ظهر

نشریه شنبه ها

منتشر میشود

روزهای شنبه هر هفته نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه روزهای پنجشنبه هر هفته است.

موازین انتشار

مقالات در نشریه

سوسیالیسم امروز:

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.
- حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

S_zijji@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلام کمک فوری خواهد کرد.

به رغم بسیاری از دستاوردها برای بهبود وضعیت زنان در هند، هنوز موقعیت زن در آنجا نیز همانند بقیه زنان در جهان فرودستی و نابرابری است. نرخ مشارکت زنان در هند تنها ۲۶ درصد است در حالی که در چین ۴۶ درصد است. در حدود ۳۴ نفر (۲۰۱۱) از هر ۱۰۰ زن بیسواد هستند در مقایسه با چین که ۱۳ درصد آمار بیسوادی دارد. گرچه تغییرات فوق نشان از موفقیت های مثبت از دیدگاه برابری زنان است، اما واقعیت زندگی زنان با بسیاری از مشکلات و تنش ها روبرو است. هنوز فاصله عمیقی بین رهائی واقعی زن با موقعیت کنونی حاکم بر زنان در دنیا وجود دارد. مشاهدات در مورد دستاوردهای برابری تنها در مورد تعداد کمی از برابری ها سخن میگوید. در کشورهای به اصطلاح توسعه یافته نشان داد که همکاری مساوی خانه و کار هنوز برای زنان کابوس است. همسران کار می کنند که کار خانه و مراقبت از کودکان هنوز هم به طور عمده کار زنان است.

اما در ایران و دیگر کشورهای تحت سلطه شریعت اسلام اوضاع بطور کلی نابرابرتر و منفی تر است برای زنان. زنان ایرانی که از هرگونه برابری جنسیتی، پوششی، حقوقی، خانوادگی، اجتماعی، تحصیلی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی محروم هستند، به دلیل حکومت اسلام گرایی و زن نجس پنداری و گذاشتن دیدگاه موقعیت و شرایطی ناپسند برای زن نه تنها زن را از کرسی های حکومتی پایین میکشد بلکه حقوق واقعی زندگی را از او میگیرد، او را نصف مرد می پندارد و به او این باور را میدهد که فاقد هرگونه خاصیتی به غیر از خانه داری و همسر بودن است. به طور کلی زن در ایران به چشم يك تبهکار جانی و نقض کننده ي قوانین دینی و گمراه کننده دیده میشود و سران دولتی نیز به خود حق میدهند که يك مشت "جانی و تبهکار و تحریک کننده مردان" را وارد دولت یا حکومت نکنند که نکند اقاي رهبر و مقام معظم رهبري از این موضوع از رده خاطر شوند.

زن در این جامعه فاقد هرگونه حق کار برابر با دستمزد برابر است، و حتی از حق فکر کردن مستقل هم محروم است. انگار حتی مغز زنها نیز حراج تر از مغز مردان است. در این مملکت اسلامی ضد زن باید دید که زن از این جامعه چه برداشت میکند و چه درو میکند؟ باید دید راه امید يك عاطفه ي لطیف شکست ناپذیر چیست؟ روزنه ي نفس کشیدن و دستیابی به آزادی برای او کجاست؟ به نظر من تنها راه شورش است. شورش علیه حاکمیتی که چنین شرایطی را به زن تحمیل نموده است. آینه ها را بردارید هزار بار بگویید که زن بودن حرکت دارد، زن قدرمندتر از يك ماشین بچه سازي است، با قدرت اجتماعی و اتکا به سیاست سکولار و سوسیالیستی و با توصل به انقلاب فکري است که میتواند راه خلاصي از فرهنگ و قوانین و این مغزهاي پوسیده ۴۰۰۰ هزار ساله را بپیمود.

برخیزید زنان انقلابی! برخیزید مورد ظلم قرار داده شده ها، مورد شکنجه داده شده ها، برخیزید و بگویید توانایی و نقش زن در سیاست، در اقتصاد، در اجتماع، و در زندگی و حقش چقدر والا است! برخیزید!

اخراج و بیکار سازی موقوف!